

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا.م. شیری
۰۷ نومبر ۲۰۱۷

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر، انقلابی به کلی متفاوت پس‌لرزه‌های پیروزی و شکست آن

به این ترتیب، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر روز شانزدهم آبان -عقرب ۱۳۹۶ هجری شمسی برابر با هفتم نومبر سال ۲۰۱۷ میلادی صدمین سال پیروزی خود را به پایان می‌رساند و وارد دومین سده‌عمر خود می‌شود. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر با تمامی انقلابات، جنبشها و نهضت‌های تاریخ به لحاظ ماهوی و ایده‌ئی کاملاً متمایز و متفاوت بود. خودیژگی انقلاب اکتوبر و وجه تمایز آن با انقلابهای دیگر در این بود که برای اولین بار در تاریخ بشر، تقدس مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و زمین را در هم شکست و پایان دوران استثمار انسان از انسان را، مرگ سرمایه‌داری را، برقراری نظام اجتماعی -اقتصادی جدید و آغاز دوران به طور کلی نوین: دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم را نوید داد. انقلاب اکتوبر خلاف اغلب انقلابها تنها به تحول سیاسی و جابه جایی هیأت حاکمه منجر نشد. در نتیجه پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر، بلشویکها به رهبری لنین کشور و جامعه ای ساختند که آن را کار مدیریت می‌کرد نه سرمایه.

انقلاب سوسیالیستی اکتوبر سال ۱۹۱۷، در شرایطی روی داد که در نتیجه اوجگیری تضادهای داخلی بین امپراتوری‌های وقت، آتش جنگ ویرانگر جهانی اول برای تقسیم جهان به حوزه نفوذ خود از سه سال پیش شعلهور بود. در چنین شرایطی که اتحاد و همبستگی طبقات استثمارگر و ستمگر، سرمایه‌داران و فنودالها برای مقابله مشترک با مبارزان عدالت اجتماعی تا حدود قابل ملاحظه‌ای تضعیف شده بود، حزب بلشویکهای امپراتوری روسیه با رهبری خارق‌العاده ولادیمیر ایلیچ لنین، انقلابی کبیر، آموزگار کارگران همه دورانها موفق شدند، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر سال ۱۹۱۷ را به ثمر برسانند.

رمز پیروزی انقلاب اکتوبر در وهله نخست، نه فقط گسست نسبی اتحاد و انسجام طبقات غارتگر و بهره‌کش در جریان جنگ جهانی اول، بلکه، جلب و جذب کارگران، دهقانان و سایر اقشار زحمتکش همه خلقها و ملت‌های جامعه کثیرالمله امپراتوری روسیه به سوی انقلاب ماهیتاً متفاوت با همه انقلابها، سازماندهی و رهبری شگفت‌انگیز آنها توسط حزب بلشویکها به رهبری خردمندان لنین بزرگ بود.

تاریخ گواه است که جنگ جهانی اول به از هم پاشیدن سه امپراتوری: امپراتوری‌های المان، اتریش -مجار و عثمانی ختم گردید. اما، بلشویک‌های امپراتوری روسیه موفق شدند آن را به طور بنیادی متحول ساخته و در ویرانه‌های آن

اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را تحت حاکمیت شوراهای کارگران، دهقانان و سربازان برای اولین بار در تاریخ جهان برقرار نمایند.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر خلاف تفاسیر، تعبیر و تعاریف نظریه‌پردازان و بلندگوهای طبقات استثمارگر از انقلاب، یک انقلاب کاملاً مسالمت‌آمیز بود که در جریان پیروزی آن، فقط ۸ نفر، آنها هم در حوادث مختلف جان خود را از دست داد.

پیروزی انقلاب اکتوبر و دستاوردهای سترگ و اعجاز‌گونه آن با وجود مقاومت شدید ضد انقلاب داخلی و خارجی و جنگهای دهشتناک با آنها، در مدت کمتر از دو دهه سازندگی، ابتداء به رهبری لنین کبیر و پس از درگذشت او در سال ۱۹۲۴، به رهبری مارکسیست-لنینیست نابغه، یوسف ویساریونویچ ستالین، اتحاد شوروی را به جایگاه یک قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، صنعتی و فرهنگی جهانی رساند. به طوری که هیچ مشکل بین‌المللی بدون آن نمی‌توانست حل و فصل شود.

کشفیات، اختراعات و نوآوری‌های بی‌سابقه و بی‌نظیر دانشمندان اتحاد شوروی در تمامی عرصه‌های علمی-صنعتی، اجتماعی و غیره نشانه‌های اشکار رشد و شکوفائی نبوغ و استعداد فرد در جمع، وجود فرصت برابر برای همه در جامعه سوسیالیستی، تحقق شعار "یکی برای همه و همه برای یکی" و در عین حال، به معنای رد و طرد مطلق فردگرایی بورژوائی بود.

به برکت پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتوبر و تشکیل جامعه سوسیالیستی، اتحاد شوروی موفق شد برای اولین بار اتوم را بشکافد؛ اولین ماهواره را در مدار زمین قرار دهد؛ اولین جاندار، اولین انسان، اولین زن را به فضای کیهانی بفرستد. اتحاد شوروی به عنوان اولین کشور در تاریخ جهان با اتکاء به قدرت لایزال خلق توانست ریشه‌های بی‌کاری، بی‌سوادی، بی‌مسکنی را بخشکاند؛ شرایط تحصیل رایگان در تمامی مراحل آموزشی و بهرمندی از طب و بهداشت و حتی، استراحت رایگان برای عموم را ایجاد نماید.

اتحاد شوروی ضامن صلح و امنیت جهانی، منادی، مروج و مدافع انترناسیونالیسم پرولتری و دوستی، برادری و همزیستی خلقها و ملت‌های اتحاد شوروی و همچنین، سراسر جهان بود.

وجود اتحاد شوروی الهام‌بخش جنبش‌ها و انقلابات سوسیالیستی، عدالتخواهانه، ملی-دموکراتیک، ضداستعماری و رهایی‌بخش در جهان بود. به برکت مساعدتها و حمایت‌های فکری، معنوی و مادی اتحاد شوروی، نظام استعمارکهن به دست توانای خلق‌های تحت ستم مستعمرات به رهبری احزاب و سازمانهای مترقی در سراسر جهان برچیده شد.

انقلاب سوسیالیستی اکتوبر، بنا به خصلت و ماهیت خود، هر قدر از احترام، اعتماد و محبت کشورها، ملت‌ها، خلقها و به طور کلی، انسانهای دربند، بردگان، کارگران و زحمتکشان، خلقها و ملل اسیر و استعمارزده جهان برخوردار بود، به همان نسبت و شاید به مراتب بسیار بیشتر از آن، مورد کینه، خصومت، نفرت و دشمنی برده‌داران و فئودالان کهنه و نو (سرمایه‌داران)، صاحبان انبارهای پول (بانکسرها)، کنسرنهای تولید مرگ (اسلحه سازی)، راهزنان و غارتگران بین‌المللی، دشمنان صلح و آزادی، انسانیت و عدالت گردید.

عربده‌کشی‌ها و دروغپراکنی‌های امپراتوری رسانه‌ئی امپریالیسم غرب و تولیدات روانی-تبلیغاتی انبوه اتاقهای جعل‌کاری بورژوازی چه در دوره حیات اتحاد شوروی و چه پس از نابود کردن آن گواه روشن این مدعا است.

بازتاب جهانی انقلاب کبیر اکتوبر، ابعاد تأثیرات بین‌المللی آن و گشایش افق روشن آینده در برابر چشمان بشریت، بدین معنی است که انقلاب اکتوبر نه تنها به کارگران و زحمتکشان اتحاد شوروی، بلکه، به همه کارگران و زحمتکشان

جهان، به همه خلفها و ملل تحت ستم و استثمارشوندگان سراسر دنیا تعلق دارد و ارجمندترین ارثیه مبارزات عدالتخواهانه بشر است.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر به رغم تمامی دستاوردهای خارق‌العاده و اعجاز‌گونه‌اش، به ویژه، در دوره سی ساله رهبری یوسف ویساریونویچ جوگاشویلی (ستالین -همرزمانش او را در جوانی "کُبا" شکست‌ناپذیر می‌نامیدند)، در سال ۱۹۹۱ مانند اولین انقلاب کارگری تاریخ -کمون پاریس در خون غلتید و به خاک افکنده شد. اتحاد جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی از هم گسست.

لازم به یادآوری مؤکد است که امپراتوری دروغ سعی کرد شکست انقلاب کبیر اکتوبر را بدون خونریزی و تنها به دست عوامل داخلی ضدانقلاب قلمداد نماید. اما، چنین ادعائی چیزی جز یک دروغ آشکار و جعل واقعیت نیست. شکست انقلاب اکتوبر به عکس پیروزی آن، قطع نظر از مصایب و پیامدهای فاجعه‌بار دیگرش، در پی خشونت‌های دهشتناک و کشته شدن بیش از یک میلیون نفر و جنگ‌زدگی و آوارگی بیش از ۱۲ میلیون نفر میسر گردید.

البته، چنین درکی اشتباه است هر گاه تصور شود انقلاب اکتوبر در سال ۱۹۹۱ سرکوب گردید. واقعیت امر این است که در آن سال نکبت‌بار فقط تیر خلاص بر پیشانی مبارک انقلاب شلیک شد. چرا که بسیار پیش از آن تاریخ، باند خائن و تبه‌کار تروتسکیستی در سیمای نیکیتا خروشچف پس از مرگ ستالین در ۵ مارچ سال ۱۹۵۳، در جریان کنگره‌های بیستم (ماه فبروری سال ۱۹۵۶) و بیست و دوم (ماه اکتوبر سال ۱۹۶۱) و سخنرانی محرمانه سراسر کذب خروشچف در خصوص مبارزه با "کیش شخصیت ستالین"، "بمب‌های" تأخیری در زیر ساختمان سوسیالیسم و اتحاد جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی تعبیه کرد که به واسطه اخلاف شاخص این باند -**میخائیل گوربچوف، الکساندر یاکولنیف، پاریس پلنسن، یگور گایدو و گروه همفکران آنها** در آن سال منفجر گردید. با گذشت زمان واقعیت‌های انکارناپذیری گواهی از آن می‌دهند که یگانه علت تأخیر در انفجار بمبها، شالوده استوار، دوام و استحکام فوق‌العاده ساختمان سوسیالیسم و پشتوانه خلقی عظیم آن بود.

اما این نیز اشتباه است هر گاه تصور شود انقلاب کبیر اکتوبر و دستاوردهای شگرف آن، در رأس همه، کشور بزرگ اتحاد جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی فقط به دست عوامل بورژوازی و طبقات ستمگر داخلی نابود گردید.

ناگفته پیداست آمال و آرزوهای عدالت‌خواهی و برابری‌طلبی از ابتدای پیدایش طبقات بالادست و فرودست پس از انحلال اجتماعات اولیه و ظهور جوامع طبقاتی، خواست و آرزوی فرودستان همه جوامع بشری بوده و مورد غضب و کینه طبقات بالادستی. این آمال‌ها و آرزوها، همواره به اشکال خشن و بی‌امان مورد هجوم طبقات ستمگر واقع شده و پیروان آن به شدیدترین وجه سرکوب و قلع‌و‌قمع گردیده‌اند. انقلاب سوسیالیستی اکتوبر نیز به مثابه چکیده و عصاره همه آمال و آرزوهای بشریت تحت ستم از این قاعده ظالمانه مستثنی نبود. ارتجاع و امپریالیسم جهانی از همان ابتدای پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتوبر کمر به نابودی و خفه کردن آن بست. شروع جنگ‌های فاجعه‌بار داخلی به دست گاردهای سفید با پشتیبانی همه جانبه چهارده قدرت اشغالگر خارجی حاضر در اراضی اتحاد شوروی جوان، سازماندهی و تجهیز ضدانقلاب داخلی برای حمله همزمان با هجوم فاشیزم سرمایه‌داری غرب و میلیتاریسم جاپان در جنگ جهانی دوم با هدف از بین بردن اتحاد شوروی سوسیالیستی از این زمره‌اند که در اثر درایت و عزم و اراده خرائین حزب بلشویک‌ها و رهبری بی‌بدیل آن -لنین و پس از وی، ستالین عقیم ماند. اما همه این شکست‌ها، نه تنها تغییری در رویه کینه‌توزانه ارتجاع و امپریالیسم جهانی به وجود نیاورد، بلکه، آنها را جری‌تر و مصرّتر هم ساخت. به همین سبب، ارتجاع سرمایه‌داری که از سال‌های جنگ اول جهانی در سردرگمی و پراکندگی نیروها به سر می‌برد، پس از تحمل شکست سخت و سنگین در جنگ جهانی دوم و جنگ کبیر میهنی به فکر راهکار دیگر افتاد. اعلام "جنگ

سرد" با اتحاد شوروی در پایان جنگ جهانی دوم، محصول چاره اندیشی جدید دشمنان طبقاتی عدالت اجتماعی بود. "جنگ سرد" در واقع، فرجه و فرصتی بود برای ساماندهی و تجدید قوای خصم طبقاتی کارگران و زحمتکشان جهان و بالاخص، اتحاد شوروی و سوسیالیسم به مثابه نمونه و سمبل عینی و موجود آن.

صرف هزینه‌های نجومی برای تبلیغات ضدسوسیالیستی -ضدشوروی و جنگهای جنون‌آمیز روانی -تبلیغاتی طی سالهای نسبتاً طولانی، "جنگ سرد" آهسته -آهسته به ثمر دادن آغازید. ظهور **اروکمونیسیم** و پیدایش نظریه جلی و بی‌محل "**سوسیال -امپریالیسم اتحاد شوروی**" یکی از اولین موفقیت‌های امپریالیسم جهانی در سالهای آغازین "جنگ سرد" بود که ارتجاع جهانی توانست بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای عدالت‌خواه جهان، عمدتاً بخش متزلزل و تندرو آن را با خود همراه سازد. ظهور همین پدیده‌ها باعث تفرقه و تشتت ایدئولوژیک، فکری و سیاسی شدت مهلک در میان نیروهای مترقی و عدالت‌خواه جهان گردید. ضربات ایدئولوژیک و سیاسی پیروان این دو پدیده، تقریباً با همه تلاش و تقلای ضد سوسیالیستی ارتجاع و امپریالیسم جهانی برابری می‌کند.

در چنین شرایطی بود که ارتجاع امپریالیستی در گرما گرم "جنگ سرد" از دهه هشتاد میلادی به حمله سراسری برای نابودی ایده سوسیالیسم علمی، اتحاد شوروی و سایر دستاوردهای انقلاب کبیر اکتوبر به مثابه نمونه و سمبل آن دست زد. لازم به ذکر است، که برای شروع این حمله گسترده، ابتداء کشورهای تحت حاکمیت‌های قشریون مذهبی و ارتجاعی مثل ایران و سودان و حلقه‌های ضعیف و تقریباً گسسته از بلوک سوسیالیستی جهانی را برای دست‌گرمی برگزید. قلع‌و‌قمع طرفداران عدالت اجتماعی و در رأس آنها، حزب توده ایران در ایران، نامه آیت‌الله خمینی به میخائیل گوربچف، راه‌اندازی "جنبش همبستگی" تحت مدیریت مأموران سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) در پولند، انجام انقلاب رنگی در رومانی و ترور مالیخولیائی نیکولای چائوشسکو در رومانی اولین نمادهای این حملات و تشدید جنگ روانی -تبلیغاتی سراسری برای حذف فزینی اتحاد شوروی و پیروان عدالت اجتماعی به طور کلی در همه جهان بودند. در کل، ارتجاع جهانی در دوره "جنگ سرد" موفق شد توازن قواء در مقیاس جهانی را هر چه بیشتر به نفع خود تغییر داده، بلوک سوسیالیستی شرق و در رأس آن اتحاد شوروی را از نقشه سیاسی جهان حذف نماید. در این غلبه نامیمون امپریالیسم جهانی در مقابل اتحاد شوروی و پیروان سوسیالیسم علمی، عوامل داخلی سرمایه‌داری در اتحاد شوروی فقط به مثابه کاتالیزاتور و محل نقش ایفا کردند...

با حذف اتحاد شوروی توسط مجموعه نیروهای سرمایه‌داری اعم از داخلی و خارجی، صلح و ثبات و امنیت از جهان رخت بریست؛ همه "**کشورهای نافرمان**" به آشوب و هرج‌ومرج کشیده شدند؛ تمامی امتیازات نیم‌بندی را که سرمایه‌داری برای ممانعت از بروز انقلاب به کارگران و زحمتکشان داده بود، یکی پس از دیگری پس گرفت؛ فقر و فاقه، بی‌کاری و بی‌خانمانی ابعاد جهانی به خود گرفت؛ فاصله و شکاف طبقاتی چنان ابعادی پیدا کرد که دارائی **هشت سارق جهانی** با دارائی نیمی از جمعیت هفت میلیاردی جهان برابری می‌کند...

با این اوصاف، علاوه بر عمده و اکره‌های ریز و درشت بورژوازی، گروه‌ها و افراد زیادی هم پیدا شدند که جامعه قرمز به تن کرده، همصدا و هم‌آوا با ماشین جنگ تبلیغاتی -روانی ارتجاع سرمایه‌داری به انکار واقعیت انقلاب سوسیالیستی اکتوبر پرداخته و از آن با عنوان "کودتا" نام می‌برند و برخی‌های دیگر نیز دلیل نابودی دستاوردهای آن، از جمله، اولین و مهمترین دستاورد آن -اتحاد شوروی را به اشکال و انحاء مختلف و در عین حال متضاد، یکی، با فقدان دموکراسی، دیگری، با عدول از دیکتاتوری پرولتاریا و یا فراروئی اتحاد شوروی به "**سوسیال -امپریالیسم**" و مواجه با مشکلات اقتصادی و غیره عنوان می‌کنند.

معلوم نیست مجموعه این طیف نظری که مدعی دیدن "مو در چشم دیگران" هستند، چرا قادر به "دیدن تیر" در چشم خود نیستند. چرا به رغم "صحت و دقت" به اصطلاح نظریات و سیاست‌های خود، نتوانستند در جامعه محل زندگی و فعالیت خود توازن قوای طبقاتی را به نفع نیروهای جویای عدالت و برابری اجتماعی تغییر داده و جهان را از فاجعه امروزی نجات دهند؟!

طرفداران "تنوری فروپاشی" در رابطه با نابودسازی اتحاد شوروی و سوسیالیسم بهتر است به جای همه این نظریه‌پردازی‌ها و تنوری‌بافی‌ها، به این سوال پاسخ دهند که اهمیت و جایگاه توازن قواء در مبارزه طبقاتی را چگونه ارزیابی می‌کنند و در دوره "جنگ سرد" و حتی بعد از نابودی سوسیالیسم و اتحاد شوروی تا کنون در رکاب کدام طبقه قلم‌فرسائی کردند و به طرفداری از کدام طبقه اجتماعی شمشیر زدند.

همچنین، از آنهایی که نابودی دستاوردهای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر را ناشی از انحرافات، ضعف‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی و یا تسلط رویزیونیسم بر آن ارزیابی می‌کنند، پرسیدن لازم است که با وجود "درک صحیح و درست" شما از علم مبارزه طبقاتی، چرا نتوانستید از "ضعف‌ها و انحرافات" حزب کمونیست اتحاد شوروی درس گرفته، با بهره‌گیری از تنوریها، نظریات و سیاست‌های "درست و دقیق" خود، توازن قوای طبقاتی را به نفع طبقه کارگر و سایر اقشار زحمتکش و تحت ستم جامعه تغییر دهید و برای آنها زمینه گرفتن قدرت سیاسی را فراهم سازید؟! گذشته از همه مدعیات ضد سوسیالیستی و ضد شوروی چه در قالب سیاه چه در جامه قرمز که یکی از دیگری زنده‌تر جلوه می‌کند، لازم به ذکر است که هر حزب، هر گروه، هر جریان فکری یا هر شخص و حتی هر دولتی که در جامعه محل زندگی و فعالیت خود با معضلاتی از قبیل نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی، جنسیتی، با بی‌کاری، فقر، گرسنگی، بی‌سوادی، با خانه‌بهدوشی و کارتون‌خوابی، با کودکان کار و خیابان و غیره (هر چند با پائین‌ترین درصد) مواجه است، به لحاظ اخلاقی کمترین حق انتقاد به سوسیالیسم و اتحاد شوروی را ندارد. اگر آنها خیلی "لالائی‌های خوب" بلدند، باید به جای برشماری "ایرادات و اشکالات" سوسیالیسم و اتحاد شوروی، به فکر حل مشکلات فاجعه‌بار جامعه خود باشند.

صرفنظر از سرنوشت بشدت غم‌انگیز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر و اولین و بزرگترین دستاورد آن -کشور اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، گذشت زمان حقانیت و جاودانگی ایده‌ها و اهداف انقلاب اکتوبر به عنوان خواست و نیاز ابدی انسان را با وضوح هر چه بیشتر ثابت می‌کند و اطمینان می‌دهد که انقلاب سوسیالیستی بار دیگر ققنوس‌وار از خاکستر خویش سر برآورد و جهان را از بربریت سرمایه‌داری نجات دهد.

با یقین به پیروزی قطعی سوسیالیسم، صدمین سالگشت وقوع انقلاب دوران‌ساز اکتوبر به رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین در رأس حزب بلشویک‌های روسیه را به همه دوستان حقیقت و عدالت، به مبارزان راه آزادی کار از اسارت سرمایه، به رزمندگان راه آزادی انسان از قید و بندهای استثمار و بردگی و بندگی، به همه انساندوستان، عدالت‌خواهان و صلح‌طلبان، به منادیان دوستی، برابری و برادری ملت‌ها و خلق‌ها، به دشمنان جنگ و سلطه‌طلبی و استعمار، به پیروان افکار و اندیشه‌های ترقی‌خواهانه مبارک باد می‌گوییم!

ا. م. شیری

۱۵ آبان-عقرب ۱۳۹۶